

این شهر به دست عرب‌های مسلمان (۵۶۰ م. / ۶۳۷ م.) روی داد و تنها هشت سال پیش از نبرد قادسیه (۵۱۵ م. / ۶۳۶ م.) بود که لشکریان هرakلیوس پیرومندان وارد تیسفون شدند (۶۲۸ م.).

با این حال نویسندگان و فراهم‌آوردندگان منابع اسلامی، در روشنی از آن‌ها نداشتند و حتی از اهمیت آن‌ها برای کشورگشایی‌های عرب‌ها جز اندکی نمی‌دانستند. همین بی‌خبری، به برداشت کلی مسلمانان و به‌ویژه ایرانیان، در گذشته و اکنون سرایت کرده و در نتیجه آن، تاریخ‌پسایستانی جوامع غرب آسیا پس از گسستی کامل از روزگار باستان که پیامد فتوح بود، تنها از یک مسیر می‌گذرد: تولد و بعثت پیامبر اسلام، روند گسترش اسلام در مکه و مدینه در حیات پیامبر (ص) و سپس فتوح اسلامی که داستان عراق، شام و بسیاری سرزمین‌های دیگر را به درون تاریخ اسلام کشاند. با این حال در چند دهه اخیر که تاریخ آسیای غربی در دوره باستان پسین بیش از پیش توجه پژوهشگران را برانگیخته، توجه به نگاشته‌های نویسندگان غیرعربی زبان ساکن آسیای غربی و به‌طور عمده، نویسندگان به زبان‌های سریانی، یونانی و ارمنی سبب شد که بخشی از کاستی‌های نگاه یک‌سویه منابع اسلامی برطرف شود.

این نگاشته‌ها داده‌های کم‌وبیش متنوعی را از حیات اجتماعی و فرهنگی جوامع آسیای غربی پیش می‌نهند و از این مزیت برخوردارند که برخلاف گزارش‌های اسلامی، معاصر نخستین دهه‌های اسلامی هستند. با این حال آن‌ها هم کاستی‌های خود را دارند. کسانی که این آثار را پدید آورده‌اند تقریباً همگی مسیحی هستند و اگرچه برخی از آن‌ها در مناطقی می‌زیستند که پیش‌تر قلمروی ساسانیان بود، ولی از چشم‌اندازی کلیسایی و مسیحی به رویدادها و تحولات نگریسته‌اند. آن‌ها را توصیف کرده‌اند. بیشتر آن‌ها مورخان حرفه‌ای نبودند و حتی زمانی که همچون یوحنا بارپنکای در کتاب ریش‌مگه تاریخ را روایت کرده‌اند، آشکارا از چشم‌انداز الاهباتی یک مؤمن مسیحی بدین کار دست‌یازده‌اند. برای اغلب آن‌ها کشورگشایی‌های عرب‌ها، رخدادی آخرالزمانی بود که خداوند در پی گناهان مسیحیان و خودداری آن‌ها از توبه و در واقع برای تنبیه آن‌ها اراده کرده بود. اغلب مسیحیان در سده نخست هجری بر این گمان بودند که پیروزی‌ها و چیرگی عرب‌ها پدیده‌ای گذرا و سپنجی است که با ظهور منجی مسیحی

دشوارة تاریخ‌نگاری و گسیختگی در تاریخ عراق

دریچه‌آشنایی ما با سرزمین عراق در نخستین دهه‌های پس از ظهور اسلام، به‌طور عمده منابعی است که یک سده یا بیشتر، پس از این دوران به دست نویسندگان مسلمان گردآوری و تدوین شده است. این نویسندگان روایت‌های مسلمانان نسل‌های پیشین را گردآوری کرده‌اند و ویژگی مشترک و البته بدیهی همه آنها این است که از چشم‌انداز مسلمانان به ترسیم سیمای رویدادها و تحولات عراق پرداخته‌اند. از اشاره‌های جسته و گریخته که بگذریم، این تصویر چنان است که گویی مسلمانان در جریان پیشروی‌های خود در عراق به سرزمینی خالی از شهرها و کانون‌های اجتماعی و تمدنی پا گذاشتند و سپس شهرهایی همچون کوفه و بصره و واسط را در چنین محیطی بنیاد نهادند. در فرایند این بازنمایی گسیخته که در واقع تصویر جاافتاده از حیات تاریخی و تمدنی عراق را در سنت تاریخ‌نگاری و ذهنیت مسلمانان تا به امروز، سر و شکل داده، به کلی فراموش شده است که تنها چند سال یا چند دهه پیش از رخدادهایی که منابع اسلامی آن‌ها را شرح داده‌اند، سرزمین عراق یا «سورستان»، آن‌گونه که ساسانیان آن را می‌نامیدند، بخشی از قلمروی شاهنشاهی ساسانی و در واقع قلب و کانون آن بود و شهرهای بزرگی مانند تیسفون، حیره، انبار و ابله و نیز نصیبین، ادسا و آمد از کانون‌های بزرگ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب آسیا در اواخر دوره باستان به شمار می‌آمدند. حتی امروزه برای فردی که تنها با منابع اسلامی سروکار دارد، درک اهمیت جنگ‌های سی‌ساله ساسانی بیزانسی که غرب آسیا را در بر گرفته بود و پیامدهای ژرف تاریخی، سیاسی و حتی دینی داشت، اگر نه ناممکن، ولی دست‌کم بسیار دشوار است.

اهمیت این جنگ‌ها را تنها می‌توان با جنگ‌های جهانی سده بیستم میلادی مقایسه کرد و در دوره باستان پسین، تنها فتوح مسلمانان بود که اهمیتی بیش از آن یافت. این در حالی است که منابع اسلامی ای که یکی دو سده بعد و در دنیایی یکسره متفاوت پدید آمده‌اند، درباره آن‌ها سخنی نمی‌گویند. برای نمونه رویداد بزرگ تصرف اورشلیم به دست سپاهیان خسرو پرویز (۶۱۴ م.) بیست‌وسه سال پیش از تصرف



محمد احمدی منشی

عضویت علمی سازمان سمت. مقالات مختلفی از او در ژورنال‌های علمی با موضوع تاریخ اسلام منتشر شده است. تاکنون دو کتاب فراز و فرود عباسیان و کتاب اسلام و سیاست در پاکستان از او منتشر شده است.



ویرانه‌های حتررا، در منطقه بیابانی در شمال غربی عراق، بین موصل و سامرا. حتررا شهری باستانی در استان نینوا و منطقه الجزیره عراق بود. این بنا به عنوان الحضر شناخته می‌شد و از سال ۱۹۸۵ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار دارد.